



«نقش و جایگاه زن در سنت زرتشتی و نظام حقوقی ایران باستان»

احمد نصر اصفهانی



www.jamejamaid.com  
(c)Manoochehr Ariari



www.sepandarmazd.com  
http://zartosht.blogfa.com

## فهرست مطالب

3	پیش‌گفتار
4	زرتشت و اوستا
7	گفتار نخست: نقش و جایگاه زن در سنت زرتشتی
7	نظام اخلاقی
8	حقوق بشر از منظر نظام اخلاقی زرتشت
9	الف) تساوی حقوق زن و مرد
10	ب) فرمانروایی و حق حکومت
12	گفتار دوم: نقش و جایگاه زن در نظام حقوقی ایران باستان
13	• دوران مادها
14	• دوران هخامنشیان
14	• دوران اشکانیان (پارتی‌ها)
15	• دوران ساسانیان
	بررسی برخی نمونه‌ها
15	1) ازدواج
15	• انواع ازدواج
17	• کودکان روابط آزاد
17	• سن ازدواج
17	• آزادی زن در انتخاب شوهر
18	• تعدد همسر
18	2) مهریه ، نفقه ، ارث
19	3) حضانت و تربیت کودکان
19	4) طلاق
19	5) کسب علم و دانش
20	6) مالکیت و حقوق مالی
20	7) حقوق سیاسی
21	8) سایر حقوق
22	نتیجه پایانی
23	پی‌نوشتها

آنچه در این مقاله می آید پژوهشی است در بخشی و گوشه ای از تاریخ ، فرهنگ و هویت ایرانیان و طبعاً همانند هر پژوهش و نوشته دیگری نیز از کاستی و خطا بیرون نیست و بلکه مجموعه ای است از حقایق ، داستان ها و برخی ادعا ها.

نگارنده فروتنانه از طریق آدرس زیر منتظر نقد و نظر شما است.

Email: a.nasr.esfahan@gmail.com

a\_nasr1313@yahoo.com

### پیش گفتار

از دیر باز سرزمین ایران سکونتگاه و محل زندگی مردمان و اقوام گوناگونی بوده است. پیش از آنکه آریاییان به ایران مهاجرت کنند در قسمت‌های مختلف این سرزمین مردمانی می زیسته اند که بعضاً تمدنهای درخشانی را بوجود آورده اند. البته تمام دانش ما در مورد آنها بر اساس اندک آثاری است که از ایشان به یادگار مانده و در کاوشهای باستان شناسی بدست آمده است هر چند که این میزان دانش نیز اطلاعات چندانی در مورد نظامهای حقوقی حاکم بر آنها در اختیار ما نمی نهد. شاید تنها ایلامیان باشند که در این میان اطلاعات بیشتری از ایشان بدست ما رسیده است. در خصوص نظام حقوقی مردم ایلام گفته شده که این قوم دو دوره متفاوت حقوقی را پشت سر گذاشته است. دوره نخست دوره برادر سالاری است که در آن حقوق زنان مورد تضييع قرار می گرفته و دوره دیگر دوره پدر سالاری است که در آن سعی می شده برای زنان نیز حقوقی برابر با مردان در نظر گرفته شود. «دوران پدر سالاری دوران اعتلای حقوق زن ایلامی است و وصیت نامه هایی که بر الواح بدست آمده از ایلام نقش بسته عموماً نشان می دهد که حقوق زن ایلامی در وصیت نامه ها و میثاقهای اجتماعی مراعات می شده است.» «... و بدون شک در ایلام کهن ، روح عدالتخواهی چنان حاکم بوده که مردان تحت تاثیر آن خود را مکلف به رعایت حقوق زنان می دانسته اند.»<sup>1</sup>

تقریباً در همین دوران در سرزمینهای سرد جنوب سیریری مردمانی در حال زندگی بوده اند که بخاطر تنگ آمدن از سرما و یخبندان ، تصمیم به مهاجرتی بزرگ از آنجا به سرزمینهای دیگر می گیرند. گروه گسترده ای از ایشان راهی ایران می شود و در قسمت‌های مختلف آن ساکن می شود. این گروه که آریاییان نام داشتند مردمانی بوده اند که چند ویژگی ، آنها را از دیگر اقوام ساکن ایران و یا سرزمینهای مجاور متمایز می کرده است که از آن جمله می توان به باورهای اعتقادی خاص و شیوه زندگی که بصورت شبانی بوده ، و همینطور زن سالار بودن جوامع آنها در ابتدای امر اشاره کرد.

1) مهر انگیز کار ، «نظام حقوقی در ایلام» نامه فرهنگ ایران ، دفتر دوم ، بنیاد نیشابور ، چاپ نخست ، 1365 ، صص 85 الی 87 ( البته در مقابل - دوره برادر سالاری - حقوق برادران برای رسیدن به میراث انحصاری بوده و حقوق خواهران کاملاً نادیده انگاشته می شده است).

این مردمان پس از مهاجرت و استقرار در ایران و مناطق اطراف آن، در ادامه کم کم به این نکته پی می برند که به لحاظ ضروریات محیط جدید، می بایست تغییر و تحولات بنیادینی در شیوه زندگی خود و ارزشهای حاکم بر آن بوجود آورند. دیگر امکان آن وجود نداشت که به شکل گذشته با روش کوچ نشینی و دامداری زندگی کرد و در این میان البته باورها و عقاید مذهبی این مردم که کاهنان و مغان مروّجان و حافظان آن بوده اند مانع بزرگی در راه پیشرفت به شمار می آمده است. از اینرو احساس نیاز به تغییر و اصلاح در افکار و شیوه زندگی مردمان آریایی به احتمال زیاد بسیاری را به فکر چاره انداخته بوده است. در همین دوران زرتشت به عنوان یک اصلاح گر بزرگ ظاهر می شود و با هدف قرار دادن باورهای سنتی این مردم که مبتنی بر پرستش خدایان بسیار مانند میترا و آناهیتا و ... بوده است، دست به اصلاحاتی ژرف و گسترده می زند و در ادامه کیشی را پی می ریزد که ایرانیان را برای دورانی طولانی در شمار متمدن ترین مردمان جهان قرار می دهد.

### زرتشت و اوستا:

در خصوص مکان و زمان زندگی زرتشت اطلاع دقیقی در دست نیست ولی بنا بر شواهد موجود می توان حدس زد که او در فاصله ی میان استقرار آریاییان در ایران و تشکیل اولین دولت آریایی یعنی ماد، می زیسته و اصلاحات خود را پیگیری می نموده است.

در اوستا زادگاه وی ایران ویج (Airyana Vaeja) و میهن او نیز در خاور ایران و بلخ معرفی شده است.<sup>۲</sup> نام اصلی او و یا نام خانوادگی او سپی تامه ( اسپنتمان، سپی تامان ) بوده و نام زرتشت ظاهراً لقبی است که بعدها به وی داده اند.<sup>۳</sup>

بنا بر قول اوستا که در شاهنامه فردوسی نیز منعکس است<sup>۴</sup> زرتشت پس از دریافت پیام اهورا مزدا راهی درگاه فرمانروای بلخ - گشتاسب (یا ویشتاسب) - می شود و دین خود را به او عرضه می دارد. گشتاسب نیز که ظاهراً مردی اهل دانش و خرد بوده جلسه مناظره ای میان زرتشت و چند تن از مشاوران و وزرای دانشمند خود به نام های جاماسب و فرشوشتر برگزار می کند. در پایان این جلسه، اندیشه اهورایی زرتشت همگان را تسلیم خود می سازد و پیروزی را به زرتشت می بخشد و گشتاسب و مشاوران دانشمندش به آیین و افکار او می گروند. اما این موضوع به همین جا پایان نمی یابد بلکه همانند هر اندیشه نویی، اندیشه او نیز مخالفان و دشمنانی را در برابر خود به صف آریایی و او می دارد. دشمنان و مخالفان زرتشت برخی فرمانروایان و امیران و برخی نیز کاهنان و پیشوایان مذهبی (مغان) بودن که موقعیت و جایگاه خود را با ظهور اندیشه زرتشت و گرویدن پادشاه بلخ و همراهانش به او از دست رفته و یا در شرف نابودی می دیدند. در گاتها زرتشت بارها فرمانروایان بدکار و روحانیون سود جو را که می کوشند مردم را در نادانی نگه داشته و از آنان بهره برداری

(2) هاشم رضی، اوستا، انتشارات بهجت، چاپ پنجم، 1383، ص 30

(3) ویلهلم گیگر و ...، زرتشت در گاتها، انتشارات سخن، چاپ اول، 1382، صص 35 الی 40 و همچنین رک به: فرهنگ مهر، فلسفه زرتشت، انتشارات جامی، چاپ چهارم، 1381، صص 37 و 38 و 115 الی 130

(4) ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، نشر قطره، تهران، چاپ نهم، 1381، صص 647 و 648

کنند، ملامت می کند.<sup>5</sup> البته نبرد زرتشت با این دو گروه تنها در اندیشه و سخن باقی نمی ماند و جنگها و درگیریهای فراوان رخ می دهد و سرانجام نیز زرتشت بدست دشمنان خود کشته می شود.<sup>6</sup> کتابی که امروزه تحت عنوان اوستا بدست ما رسیده است و قرار است یکی از منابعی باشد که سنت زرتشتی را به ما معرفی می کند ، تاریخی بسیار پر فراز و نشیب را پشت سر گذاشته است. دورانی از شکوه و عظمت و دورانی از نابودی و سوختن. بنا بر روایات تاریخی ، اوستا از زمانهای بسیار دور بصورت مکتوب وجود داشته است برای نمونه پلی نیوس مورخ یونانی از هرمی پوس (دیگر مورخ یونانی) نقل می کند که در حدود قرن سوم پیش از میلاد کتاب زرتشت را که به شعر بوده خوانده است.<sup>7</sup>

همچنین بنا بر قول آذر فرنبغ (دانشمند زرتشتی) در کتاب دینکرد ، به فرمان شاه گشتاسب سرود های مقدس زرتشت را در 21 نسک و در دو نسخه و بر روی پوست گاو و به آب زر نوشتند و یکی از آندو نسخه را در خزانه شاهی (گنج شایگان) و دیگری را در بایگانی شاهی (دژ نی پشت) نگهداری کردند. اما بعد از حمله اسکندر به ایران یک نسخه از آن در آتش سوزی تخت جمشید دچار حریق می شود و نسخه دیگر بعدها به یونان برده می شود. [ و در نتیجه آنچه در ایران باقی می ماند تنها روایات شفاهی از اوستا و یا برخی از قسمتهایی بوده که از آن آتش سوزی مهیب در امان مانده است.]

چند قرن بعد از آن ، یکی از پادشاهان اشکانی - بلاش - دستور می دهد تا به هر نحو ممکن اوستا را گرد آوری و مکتوب کنند . در پی فرمان او عده ای مامور می شوند تا قطعات موجود اوستا را گرد آوری نمایند و عده ای از روحانیون نیز که مقادیری قابل توجه از کتاب بزرگ را از بر داشتند ، آنها را مکتوب می کنند و هیاتی از کارشناسان زرتشتی آنچه فراهم شده بوده را تدوین می کنند.<sup>8</sup>

پس از اشکانیان در دوره ساسانی اردشیر بابکان (که خود یک موبد زاده است) یکی از موبدان دانشمند به نام «تنسر» (هیربد هیربدان) را بر آن می گمارد تا به دقت اوستای از دست رفته را گرد آورد. پس از اردشیر ، شاپور نیز بر این امر همت می گمارد و موبد موبدان روزگار خود که قدیسی به نام «آذر مهر اسپندان» نام داشته را مامور گرد آوری اوستا می نماید. ( البته ظاهراً شخص اخیر بررسی صحت و سقم اوستای گرد آمده توسط تنسر را بر عهده داشته است).<sup>9</sup>

در پی این تلاشها در زمان ساسانیان ، مجموعه سخنان و روایات زرتشت و یا منسوب به وی ، مجدداً در 21 نسک نوشته و تدوین می شود. اما باز پس از سقوط ساسانیان و هجوم اعراب ، ترکها و مغولان این مجموعه دوباره دستخوش تاراج و غارت واقع می شود و تکه ها و نسک هایی از آن از میان می رود.<sup>10</sup> امروزه اوستایی که بدست ما رسیده است تقریباً یک چهارم اوستای زمان ساسانیان است.

(5) یسنا ، هات 31. همچنین رک به: فرهنگ مهر ، پیشین ، ص 38

(6) هاشم رضی ، پیشین ، صص 25 الی 40. همچنین رک به : عبدالحسین زرین کوب ، در قلمرو وجدان ، انتشارات سروش ، چاپ دوم ، 1375 ، ص 70

(7) فرهنگ مهر ، پیشین ، ص 131 و همچنین هاشم رضی ، پیشین صص 208 و 209

(8) هاشم رضی ، پیشین ، صص 228 الی 230

(9) فرهنگ مهر ، پیشین ، صص 131 و 132

(10) مری بویس ، «کیش زرتشت» (مجله هفت آسمان ، ش 22) ص 194

نکته بسیار مهمی که نباید آنرا فراموش کرد این است که اندیشه‌ها و آموزه‌های زرتشت پس از او (خواسته یا ناخواسته، با حسن نیت و یا با سوء نیت) دستخوش تغییرات و دستبرد های فراوان واقع شده است، که این موضوع را می‌توان با مراجعه به گاتهای زرتشت و مقایسه آن با سایر بخشهای اوستا از جمله وندیداد به روشنی مشاهده نمود.<sup>۱۱</sup>

در هر صورت آنچه امروزه در این مجموعه (اوستا) از سنت زرتشتی و ایرانی به دست ما رسیده است دارای پنج بخش می‌باشد که عبارتند از: «یسنا»، «ویسپرد»، «یشت»، «وندیداد» و «خرده اوستا». در این میان آنچه «در اسناد آن به خود زرتشت کمتر جای تردید هست مجموعه سرودهایی است که گاتها (گائنه‌ها) نام دارد و هرچند تمام تعالیم او منحصر بدانچه در گاتها است، نیست. اما مبانی تعلیم وی را در آن کتاب باید جست»<sup>۱۲</sup> در حقیقت «تنها آن قسمت از اوستا که به گاتها مشهور است پیام آسمانی و از سروده های اشو زرتشت می‌باشد؛ و هرگاه به دیانت زرتشتی در دوران اولیه اشاره شود هرگونه برداشتی جز از گاتها از اشو زرتشت نیست بلکه منسوب به وی است»<sup>۱۳</sup>

این مجموعه یعنی گاتها که به شعر نیز هست در واقع هفده هات(فصل) از هفتاد و دو هات بخش یسنا «Yasna» که نخستین بخش از اوستا است می‌باشد. این هفده هات عبارتند از هات های (28، 29، 30، 31، 32، 33، 34، 43، 44، 45، 46، 47، 48، 49، 50، 51، 53) که همگی از لحاظ زبان، سبک شعر، نحوه ارائه مطالب، اندیشه و محتوا با دیگر قسمت‌های اوستا از جمله با سایر هات های بخش یسنا متفاوت می‌باشد. در واقع این هفده سرود به لحاظ قدمت و کهنگی زبانی و گویشی (که نزدیکی بسیار با زبان فارسی باستان و سانسکریت دارد) و همچنین با عنایت به محتوای آن که روزگاری دور را فرا یاد می‌آورد و با توجه به اینکه در میان نامها و مکان‌هایی که از آن یاد می‌شود نام هیچ محلی و یا شخصی از دوران هخامنشی و یا حتی مادی دیده نمی‌شود بلکه روزگاری پیشین تر را معرفی می‌کند و همینطور بر اساس برخی شواهد و قرائن دیگر، همان سخنان، نیایش‌ها و اندرزهای دست نخورده زرتشت است که امروزه نیز معیار اظهار نظر و تفسیرهای عالمان زرتشتی قرار می‌گیرد.<sup>۱۴</sup>

گاتها مشتمل بر نیایش‌ها و اندرزهای زرتشت است و از جهت عملی نیز اندرزهای گاتها در سه بنیاد ساده «اندیشه نیک»، «گفتار نیک» و «کردار نیک» خلاصه می‌شود.<sup>۱۵</sup>

در ادامه تلاش خواهیم کرد تا در دو گفتار نقش و جایگاه زن را در سنت زرتشتی و نظام حقوق ایران باستان مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم.

11) ویلهلم گیگر و ...، پیشین، صص 106 به بعد و صص 98 و 372. همچنین رک به: هاشم رضی، پیشین، صص 472

12) عبدالحسین زرین کوب، پیشین، صص 68

13) موبد رستم شهزادی، مقدمه کتاب اوستا (ترجمه هاشم رضی)

14) موبد رستم شهزادی، قانون مدنی زرتشتیان در زمان ساسانیان، نشر انجمن زرتشتیان تهران، 1365، صص 4. همچنین رک به: هاشم رضی پیشین، صص 211

15) فرهنگ مهر، پیشین، صص 34 و 35

در این نوشتار گفتار اول اختصاص به جایگاه زن در سنت زرتشتی (با تکیه بر بخش گاتها) و گفتار دوم اختصاص به نقش زن در نظام حقوقی ایران باستان خواهد داشت.

### گفتار نخست:

### نقش و جایگاه زن در سنت زرتشتی

پیش از پرداختن به این موضوع اشاره ای به نظام اخلاقی آیین زرتشت و ارتباط آن با حقوق انسانی افراد به نظر ضروری می باشد.

### نظام اخلاقی:

با مطالعه دقیق گاتها می توان این نکته را دریافت که اخلاق زرتشتی بر رعایت قانون اشا (ارته) و دوری از دروغ (دروگ، دروج) استوار گردیده است. اشا «asa» از دیدگاه زرتشت نظم و قانون و راستی و احترام به حقوق فردی و اجتماعی و کار و کوشش و برقراری عدل و مساوات و ... می باشد.

اشا یک اصطلاح جامع و دارای مفهومی وسیع است و دروغ نقطه مقابل آنست. دروغ یعنی هرج و مرج، بیداد و ظلم، غارت و چپاول، زهد و ریای دروغین، استثمار مردم به نام دین، قربانی کردن چهار پایان و دامهای سودمند، مستی و توحش به نام عبادت، بی نظمی، ویرانگری و ...<sup>۱۶</sup>

«ای مزدا آن راهی که از سوی تو آورنده ی آنم، راه راستی (اشا) است، راهی است که سود آدمی در آن است. اما آن راه دیگر راه دروغ است، راهی که جز زیان و تباهی بهره ای نمی دهد. این سان است که آرزومندیم تا مردمان به راه راستی بگردند و با همه نیرو از آن راه دروغ بپرهیزند، از آن راهی که مردمان را به خشم و بیداد بر می انگیزد؛ راهی که آدمی را بر ضد چارپایان بر می انگیزد و از کشت و ورز باز می دارد و یکسر گفتار و کردار شان را تباه می سازد و خانه و زندگی شان را با نا امنی قرین کرده و وجدانشان، آشفته شان خواهد کرد. اما آنانی که به نیک منشی بگردند و راستی پیشه سازند و پارسایی را بگزینند، این چنین کسان در بهترین سرزمینها جایگاه یابند.»<sup>۱۷</sup>

در این خصوص همچنین لازم به ذکر است که اشا همان خواست اهورا مزدا است. به تعبیر گاتها خواست اهورا مزدا و اشا یکی است. «ای مزدا بوسيله اشا، من اراده و خواست تو را به انجام می رسانم ... آموزشهای من آن است که این زندگی بوسيله اشا پرورده و نیکو و به کام شود و این طریقی است که از اهورا مزدا بر من آشکار شده است.»<sup>۱۸</sup> اهورا مزدا همچنین جهان را برابر با قانون اشا به گردش و جریان امور عالم بر طبق اشا است. از این رو اشا هم قانون الهی است و هم قانون طبیعت است. و قانونی است دگر گونی ناپذیر و ازلی و ابدی.<sup>۱۹</sup>

در حقیقت، قانون طبیعی و مینوی در دین زرتشت یکی هستند و همه اندیشه ها و گفتارها و کردارهای مخالف اشا برای عامل کارها و برای اجتماع و کل گیتی زیان آور است. اشه گرایان نیز کسانی هستند که به

16) هاشم رضی، پیشین، ص 112. همچنین رک به: ویلهلم گیگر و ...، پیشین، ص 121 به بعد و پاورقی صفحه 215 و 216.

17) یسنا، هات 49، بندهای 3 الی 5

18) یسنا، هات 46، دو بند پایانی

19) ویلهلم گیگر و ...، پیشین، ص 222. همچنین رک به: فرهنگ مهر، پیشین، صص 14 و 60 و 61



آبادانی جهان و برقراری صلح و آرامش و داد و راستی می اندیشند و می پردازند. و دروغ پرستان و دیو یسانان نیز آن کسانی هستند که جز به تباهی گیتی نمی پردازند. در این میان راه شناخت و درک اشا نیز با راهنمایی وهومن (Vohumana) میسر می شود. وهومن در اندیشه زرتشت مظهر خرد و اندیشه است که با یاری گرفتن از اوست که می توان نظام اشایی را کشف کرد و زندگی سعادت‌مندی را بر اساس آن پی نهاد. و زرتشت نیز بسیار می کوشد تا بوسیله وهومن مورد الهام اهورا مزدا قرار گیرد.<sup>۲۰</sup>

### حقوق بشر از منظر نظام اخلاقی زرتشت

حقوق بشر البته پدیده و مفهومی نوین و مربوط به روزگار ماست و بحث از آن تحت این عنوان در هیچ یک از ادیان و مذاهب گذشته نیامده است. لذا مطالب زیر صرفاً از جهت میزان انطباق و سازگاری حقوق بشر معاصر با اندیشه ها و آموزه های زرتشت ، ارائه می گردد. و ادعایی جز این ندارد که بر طبق آموزه های زرتشت حقوق بشر معاصر یک پدیده اشایی و مورد خواست اهورا مزدا است.

از آنجا که گوهر آموزه های زرتشت دعوت به پیروی از نظام اشا و دوری و پرهیز از نظام دروغ است ؛ با توجه به اینکه اشا خواست خداوند است و گردش امور عالم نیز بر پایه آن می باشد ؛ نظر به اینکه خواست خداوند (اشا) در تمام طبیعت جریان دارد و در واقع اشا همان قانون و نظام تغییر ناپذیر و ازلی و ابدی حاکم در طبیعت است؛ با عنایت به اینکه نظام اشایی را جز بوسیله خرد و اندیشه (وهومن) نمی توان شناخت و با در نظر گرفتن اینکه تنظیم و تدبیر زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی مردمان بر طبق آموزه های زرتشت باید بر اساس اشا صورت گیرد ؛ همچنین با توجه به اینکه در اندیشه زرتشت آزادی و کرامت انسانی بسیار ارزشمند می باشد و همگان محکوم به آزاد بودن و مسؤول بودن در پندار و گفتار و کردار خویش هستند و همچنین از سوی دیگر با توجه به اینکه آرمان حقوق بشر معاصر نیز تنظیم روابط میان مردمان بر اساس صلح و عدالت و راستی و حفظ کرامت و آزادی و حرمت ذاتی انسانها می باشد و با لحاظ اینکه این نظام بین المللی حقوق بشری ، نتیجه ی اندیشه ورزی و تعقل خردمندان و عالمان روزگار ما جهت پاسداری از کرامت انسانها و همچنین پاسخی به ضرورتهای اجتماعی می باشد ، پس می توان با قدرت ادعا کرد که نظام حقوق بشر معاصر در انطباق با نظام اشایی است و در نتیجه از منظر اندیشه زرتشت این دسته از حقوق همان خواست اهورا مزدا است که خردمندان عالم (بر اساس مبانی اخلاقی و ضرورتهای عینی و عملی) آنرا دریافته و ارائه نموده اند.

و اگر این ادعا درست باشد بنابراین رعایت هنجارهای حقوق بشر ، عین مزدا پرستی و رفتن به راه «سپنتا می نو» است و عدم رعایت و نقض آن عین پرستش نظام دروغ و رفتن به راه «انگره می نو» و اهریمن می باشد. به تعبیر دیگر ، دشمنان و ناقضان حقوق بشر اشایی ، اهریمنان و دروغ یسانان می باشند.



**الف) تساوی حقوق زن و مرد**

در گاتها هر جا اشو زرتشت مردم را برای شنیدن پیامش فرا می خواند و یا هنگامی که مشغول دعا کردن برای انسانها می باشد از زن و مرد در ردیف برابر و با هم یاد می کند.<sup>21</sup> این موضوع البته اختصاص به گاتها ندارد و در برخی قسمتهای دیگر اوستا نیز موارد آن مشاهده می شود.<sup>22</sup> (البته اینکه آیا این نگاه برابر به زن و مرد زاییده آموزشهای زرتشت است و یا نتیجه فرهنگ ایرانی پیش از زرتشت می باشد. خود نیاز به تحقیق جداگانه ای دارد.)

همچنین او ، زن و مرد را در هنگام اختیار همسر در رده برابر قرار می دهد. او به پسران و دختران جوان اندرز می دهد که ، پیش از بستن پیمان زناشویی ، با خرد خود رایزنی نمایند ، به مهر دل گوش دهند و همسری برگزینند که در پیش برد راستی و اشا با آنان همگام باشد.<sup>23</sup> برای نمونه او در مراسم ازدواج دخترش - پئورا چیستا - خطاب به وی می گوید : « اینک ای پئورا چیستا ، ای جوانترین دختر زرتشت ، این است شوهری پارسا و کارآزموده که از روی نیک منشی برای تو برگزیده ام ، چنان خواهانم که با اندیشه ای ژرف و از روی خرد ، خودت اراده ات را بازگویی.»<sup>24</sup>

همچنین باید افزود که باور و نگاه برابر به زن و مرد در سنت زرتشتی تا آنجا است که از میان شش فرشته برجسته ی یاد شده در گاتها (امشاسپندان) ، سه تن از آنان مذکر و سه تن دیگر مونث می باشند که شاید این تعداد برابر امشاسپندان مذکر و مونث نیز بازتابی از برابری زن و مرد در فرهنگ اوستایی باشد.<sup>25</sup> ( لازم به ذکر است که فرشتگان در سنت زرتشتی جایگاه ویژه ای دارند. این فرشتگان که به برجستگان آنان «امشاسپند» و به سایرین «ایزد» اطلاق می شود، هر کدام نماد و پاسدار رفتار و چیزهایی مادی و یا مینوی هستند. مثلاً «آناهیتا» و «آبان» پاسداران آب هستند ؛ «سروش» آموزگار و پیام آور دین است ؛ «میترا» پاسدار راستی و وفای به عهد و «رشن» نماد و پاسدار عدالت و دادگری است. البته بیشتر این فرشتگان ، خدایان پنداری هستند که آریاییان ایرانی پیش از زرتشت آنها را می پرستیده اند ، مانند میترا که پس از زرتشت تنها به عنوان یکی از ایزدان مطرح گشته است.<sup>26</sup> همانطور که گفته شد در میان فرشتگان شش فرشته از دیگران برتر و جاودانه تر اند. که به آنها امشاسپندان گفته می شود که به ترتیب عبارتند از : 1) «بهمن» (وهومن) که نگهدارنده سلامت اندیشه است. 2) «اردیبهشت» (اشا) که پاسدار و نگهدارنده سلامت تن است.

21) « و این است آموزشهایم ؛ بشنوید اینک این سخنان را ؛ با اندیشه روشن بنگرید ؛ مرد و زن بایستی خود اینچنین با رایزنی خرد و اندیشه ، راه خود را برگزینند ... یسنا ، هات 30 بند 2» « منم زرتشت ... ای مزدا که برای نخستین بار آموختم که تویی خداوند جان و خرد ... که تویی آن داور بی همال که مردم را به توسط من به میانجی منش نیک و بهترین راستی به کار و کوشش به روی زمین فراخواندی ... اینچنین کسان مردان و زنانی که دستورهای دین را بکار برند رستگار خواهند بود ... یسنا ، هات 46 ، بند 10»

22) برای نمونه رک به : یسنا ، هات 21 - هات 23 - هات 37 - هات 38 - هات 39 - هات 41 - هات 65 - و ویسپرد ، کرته اول و دوم و هفتم III «ای اهورا مزدا ، این زنان و همه زنان دیگر را که گروهی به تو می باشند و پیرو راستی ، می ستاییم ... یسنا ، هات 38»

23) فرهنگ مهر ، پیشین ، صص 66 و 67

24) یسنا ، هات 53 ، بندهای 3 الی 5

25) فرهنگ مهر ، پیشین ، ص 57

26) هاشم رضی ، پیشین ، ص 106. همچنین رک به : ویلهلم گیگر و ... ، پیشین ، صص 107 و 170 و 181 الی 208.

3) «شهریور» که پاسدار فلزات و جمادات است. 4) «اسفندار مزد» که پاسدار زمین است. 5) «خرداد» که پاسدار آب و راهنمای وجدان است. 6) «امرداد» که نگهدارنده بهترین زندگی و بی مرگی است.<sup>۲۷</sup> از این میان سه امشاسپند نخستین مذکر و سه امشاسپند دومی مونث هستند.

### ب) فرمانروایی و حق حکومت:

در سنت زرتشتی حق فرمانروایی مربوط به شخص فرهمند است. فر یا فره، روشنایی ایزدی است که در درون کسانی که در رهبری اشوان بر دیگران پیشی می گیرند پر فروغ و درخشان می شود. بر طبق تعالیم گاتها، شخص فرهمندی که شایسته فرمانروایی است باید واجد دو امر یا شرط اساسی باشد. یکی اینکه در زمره اشوان و مزدا پرستان باشد. و دوم اینکه همواره به دنبال برقراری صلح و امنیت و گسترش داد و عدل و آبادانی در زمین باشد که این شرط دوم با توجه به مطالب پیشین دارای ارتباط کامل با شرط اول است و در حقیقت پیامد آن است.

زرتشت در گاتها می گوید: «بر مردم، شاهان خوب بایستی فرمان رانند و آنانی که حکومت شان بد است، باز داشته و برکنار شوند؛ چون بر اثر شاهی و حکومت خوب است که زندگی مردمان بهبود می یابد، زمین آبادان می شود و چارپایان فراوان و زندگی آسوده و بهکام می شود.»<sup>۲۸</sup> «خواست نیکان آنست که میان ایشان شهریاری نیرومند برانگیخته شود تا زشتی و آشفتنگی را مهار و بند کرده و آرامش و صفا را همه جا گسترده کند و دروغزنان را به کیفر رساند، آنچنان کیفری که در پسین نیز بهره شان خواهد شد، چون دروغزن را جز این پاداشی نیست.»<sup>۲۹</sup>

با اندکی تامل در سخنان فوق می توان دریافت که بطور ضمنی چندین حق اساسی مانند حق بر امنیت، حق بر پیشرفت و توسعه، حق بر اجرای عدالت، حق بر رفاه و زندگی آسوده و ... مورد شناسایی قرار گرفته است. اما آنچه از این هم مهمتر است این است که در شرایط ذکر شده برای پادشاه فرهمند به هیچ عنوان شرط مادام العمر بودن یا دارای نژاد و طبقه خاص بودن و یا دارای جنس مذکر بودن مطرح نشده است. و در واقع هر کس (مرد و زن) این قابلیت را دارد که با فرهمند شدن به فرمانروایی برسد. در همین راستا در اسطوره ها و همچنین در تاریخ ایران باستان مواردی را مشاهده می کنیم که زنان به پادشاهی رسیده اند و هیچ منع دینی و اجتماعی نیز برای آنها وجود نداشته است. مانند «همای چهر آزاد» (دختر بهمن) که بنا بر روایت شاهنامه حدود سی و دو سال پس از پدر خود پادشاهی نموده است.<sup>۳۰</sup> و یا بنا بر روایت تاریخ که در شاهنامه نیز بازتاب یافته است در دوران ساسانیان دو زن به نامهای «پوران دخت» و «آذر میدخت» (آزم دخت) به پادشاهی ایران رسیده اند.<sup>۳۱</sup>

27) فرهنگ مهر، پیشین، صص 11 الی 27

28) یسنا، هات 48، بند پنجم.

29) یسنا، هات 53، بندهای پایانی.

30) ابوالقاسم فردوسی، پیشین، صص 773 الی 782.

31) همان، صص 1341 و 1342.

با ظهور زرتشت زنان همچنان حق مالکیت و سهم الارث و اظهار نظر در امور خانوادگی و سیاسی و اجتماعی را پیدا می کنند.<sup>۳۲</sup> در ازدواج نیز حقوق بسیاری برای آنان در نظر گرفته می شود که مهمترین آن حق زن در پذیرش یا رد درخواست ازدواج با شخصی است که پدر و یا قیم او برایش در نظر گرفته است.<sup>۳۳</sup> در نظام حقوقی ایران باستان زنان بطور معمول حق خواستگاری کردن نداشته اند. و این وظیفه برعهده پدر یا قیم ایشان بوده است تا همسری شایسته برای آنها بیابد. ولی پس از خواستگاری نظر و خواست دختران منظور می شده است. البته در مواردی نیز دختران بدون موافقت پدرشان شوهر خود را برگزیده اند که برای نمونه در شاهنامه فردوسی به مواردی از آن اشاره شده است مانند: ازدواج سودابه و کاووس ، ازدواج بیژن و منیژه ، ازدواج کتایون و گشتاسب و ازدواج رودابه و زال.<sup>۳۴</sup>

ازدواج پیش از سن 15 سالگی نیز در هر دو جنس ممنوع و غیر مجاز است. در آیین زرتشتی در پانزده سالگی دختر و پسر کمر بند مقدسی را می بندند و پیراهنی را به تن می کنند. لذا تنها پس از سدره پوشی ازدواج مجاز می شود.. و هنگام ازدواج نیز سه تا چهار سال پس از سدره پوشی می باشد. البته هیچ سقف سنی برای تجدید فراش و ازدواج مجدد وجود ندارد.<sup>۳۵</sup>

در خصوص ارث نیز زنان جزو وارثان قرار می گیرند و دارای فروض مختلفی که بعضی برابر با مردان و برخی کمتر از مردان و برخی نیز بیش از مردان است ، می گردند.<sup>۳۶</sup>

32) حسن امین ، تاریخ حقوق ایران ، انتشارات دایره المعارف ایران شناسی ، چاپ اول ، 1382 ، ص 97

33) همان ، صص 69 و 70.

34) همان ، صص 69 و 70

35) همان ، صص 129 و 130

36) فرضیهایی که زنان برابر با مردان ارث می برند 1) در جایی که مورث زن باشد. 2) جایی که مورث فرزند زن و مرد باشد. 3) جایی که زن و شوهر تنها وارث باشند.

فرضیهایی که زنان کمتر از مردان ارث می برند 1) جایی که مورث مرد باشد. 2) جایی که مورث زوج باشد و اولاد هم داشته باشد که در این صورت فرض زن یک ششم است. در همین فرض اگر مورث زوجه باشد سهم زوج برابر با اولاد است(در صورتی که اولاد منحصر به یک پسر و یک دختر نباشند). فرضیهایی که زن بیش از مرد ارث می برد و یا از ارث بهره دارد 1) جایی که وراثت منحصر به یک پسر و یک دختر به اضافه زوج یا زوجه باشند که در صورتی که زوجه متوفی باشد سهم زوج یک هشتم و در صورتی که متوفی زوج باشد سهم زوجه یک ششم خواهد بود. 2) در صورتی که دختری پس از مرگ پدرش به دنیا آید هزینه ازدواج او از ماترک پدرش برداشته می شود.

رک به : احمد دیلمی ، « مطالعه تطبیقی ارث زن » ، نامه مفید ، شماره 29 ، صص 98 الی 100.

## گفتار دوم:

### نقش و جایگاه زن در نظام حقوقی ایران باستان



آن دسته از اقوام آریایی که به ایران آمدند البته اخلاقیات و باورهای خاصی را داشتند که با عقاید و خلق و خوی اقوام دیگر موجود در منطقه و همسایه، تفاوت‌هایی را داشته است. از جمله یکی از تفاوت‌هایی بسیار فاحشی که میان تمدن آریایی و تمدن سامی وجود داشته این بوده که «در تمدن سامی همواره مرد بر زن غلبه داشته و فرمانروای مطلق مرد بوده است ولی در تمدن آریایی برعکس در مراحل اول، زن فرمانده مطلق خانواده و عنصر اصلی تمدن بوده است. سپس همینکه آریاییان با سامیان همسایه شدند کم‌کم زن را دست‌نشانده خود و فرمانبردار مرد کردند. و به همین جهت در دوره‌های تاریخی آن برتری که زن در دوره پیش از تاریخ نسبت به مرد در تمدن آریایی داشته دیگر از میان رفته است و این تقلید از تمدن سامی است.»<sup>۳۷</sup>

در عصر زرتشت هم علیرغم اینکه او با آیین میترا‌یسم و مذاهب مربوط به پرستش نیروهای طبیعی و ارباب انواع مثل آناهیتا و ... و با اخلاق و آداب و رسوم مخصوص این آیین‌ها و مذاهب مخالفت و مبارزه می‌کند و آنها را دروغ و موجب ویرانگری و ناراستی می‌داند. اما پس از او نظامی که بوجود می‌آید بعضی اندیشه‌ها و آداب و رسوم پیش از او را نیز در درون خود وارد می‌کند و نظام‌های اجتماعی و حقوقی و ... ایران باستان را شکل می‌دهد.

(37) سعید نفیسی، تاریخ اجتماعی ایران، نشر دانشگاه تهران، 1342، ص 29

در هر حال نقش آموزه های زرتشت در کل حیات و هویت ایرانیان (از دیروز تا امروز) غیر قابل انکار است. تا پیش از در آمدن زرتشت، برابر نظام و باورهایی که در آن عصر وجود داشته علی الظاهر زنان دارای شخصیت حقوقی نبوده اند و زن شخصی که صاحب حقی باشد به شمار نمی رفت، بلکه چیزی که می توانست از آن کسی شناخته شود به شمار می آمد. بطور خلاصه زن دارای حقوقی نبود و از هر نظر تحت سرپرستی و قیمومت رئیس خانوار که کدخدای نامیده می شد قرار داشته است. البته این نگرش همیشگی نبوده و بلکه در دوران مختلف (از جمله با ظهور زرتشت) تغییرات و اصلاحات فراوان به نفع حقوق زنان یافته است. برای نمونه در زمان ساسانیان «حقوق قدیمی ... عملاً دیگر در میان نسل جدید بکار بسته نمی شد و رسوم جدید از قدرت حاکمیت آن کاسته بود یک رئیس خانوار که همچنان حقوق قدیم را برای خود معتبر می دانست با عکس العمل شدید وجدان حقوقی مردم روبرو می گشت.»<sup>۳۸</sup>

(البته موضوعی که در بالا ذکر شده منافات با این ادعا نیز ندارد که بگوییم در تمدن آریایی در ابتدای امر زن فرمانده مطلق خانواده و عنصر اصلی تمدن بوده است زیرا پس از ورود و استقرار آریاییان در ایران تا هنگام پیدایش زرتشت و پس از آن، قرن های بسیاری برای اقتباس و تاثیر پذیری از اقوام موجود در منطقه مثل ایلامیها و سومریها و ... وجود داشته است.)

### دوران مادها: (از 708 تا 550 پیش از میلاد)

پس از به قدرت رسیدن مادها، نظام خانوادگی قوم ماد مبتنی بر ریاست مرد بر زن بوده و حق مرد به داشتن بیش از یک همسر ریشه در قوانین مادها داشته است.

همچنین در ایران از زمان مادها زناشویی با خویشاوندان نزدیک (مانند خواهر) معمول بوده است.<sup>۳۹</sup>

لازم به ذکر است که در ایران باستان ازدواج با خویشاوندان نزدیک منعی نداشته و برای مثال در داستانها آمده که فریدون با نوه خود (دختر ایرج) ازدواج کرده است. یا اینکه همای چهار آزاد از پدر خویش - بهمن - حامله بوده است. یا در منابع تاریخی می خوانیم که کمبوجیه دو خواهر خود و داریوش نیز خواهر خود (پریساتیس) و اردشیر دوم دو دختر خود (آتوسا و آمستریس) و داریوش سوم نیز دختر خود را به زنی داشته اند.

ازدواج میان پدر و دختر و میان خواهر و برادر عملی ثواب تلقی می شده و موجب بروز فره ایزدی شمرده می شده است و آنرا موجب روشنایی ایزدی در خاندان و طرد دیوان می دانسته اند و اینگونه زناشویی های همخون را خوندوگدس (خوایت ودث) می نامیده اند.<sup>۴۰</sup>

38) کریستیان بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، موسسه مطبوعاتی عطایی، چاپ دوم 1344، ص 13.

39) حسن امین، پیشین، صص 77 الی 80 و 97.

40) همان صص 71 و 72. همچنین رک به: ناصرالدین صاحب الزمانی، پیشگفتار کتاب زن در حقوق ساسانی، صص ذ، ز.

**دوران هخامنشیان: (از 550 تا 331 پیش از میلاد)**

(تندیس کورش کبیر)

همانطور که گفته شد در عصر زرتشت زن حق مالکیت و سهم الارث و حق اظهار نظر در امور خانوادگی و سیاسی و اجتماعی را پیدا کرد. این روند با توجه به رسمیت دین زرتشت در دوران هخامنشی کما بیش رعایت می شد. با این حال در زمان خشایار شاه فرمانی صادر می شود که شوهر در خانه خود صاحب اختیار است. اما این فرمان نیز آرام آرام رنگ می بازد به طوری که در قرن بعد زن سالاری ایجاد می شود که البته آن هم به تدریج از میان می رود.<sup>۴۱</sup> باید افزود که در اواخر این دوره نفوذ برخی از زنان (ملکه ها) در امور مملکت به حدی زیاد بود که برخی از پادشاهان به توطئه و یا تحریک آنان عزل و نصب و یا به قتل می رسیدند. برای نمونه می توان در این رابطه به زنی با نفوذ به نام «پریزاد» که از ملکه های دربار هخامنشی است اشاره کرد.

در دوران هخامنشیان زنان طبقات بالای اجتماع حق ظاهر شدن در ملاء عام را نداشته اند به همین دلیل تمیستکل (سردار آتنی) برای پناهندگی به ایران به عنوان زن سوار تخت روان روپوش داری می شود و بی خطر از آتن به دربار اردشیر دراز دست می آید.<sup>۴۲</sup>

از نظر پیوند زناشویی نیز در زمان هخامنشیان احکام زرتشتی رعایت می شود و بموجب آن ازدواج پیوند مقدسی است که جز با مرگ یکی از طرفین یا هر دو از هم گسسته نمی شود.

در دوران هخامنشیان «زن و مردی که با هم ازدواج می کنند در تمام موارد زندگی از قبیل مال و دارایی، کار مشترک و سایر امور مادی مانند جهیزیه و غیره اشتراک مساعی و سهم مساوی دارند. همچنین در امور غیر مادی مانند دوستی، عاطفه، شادی، عزا و کمک و معاضدت، همپایه هم هستند.»<sup>۴۳</sup>

**دوران اشکانیان (پارتی ها): (از 248 پیش از میلاد تا 226 میلادی)**

در دوران اشکانیان کما بیش نظام حقوقی زمان هخامنشی ادامه پیدا می کند. با این تفاوت که در زمینه سیاسی به موجب یک نوع قانون اساسی عرفی، قدرت مطلقه شاه محدود بود و مخصوصاً در تصمیمات مهم شاه ناگزیر بود با مجلس شورای خانواده سلطنتی (متشکل از اعضای ذکور خاندان سلطنت که به سن بلوغ

41) حسن امین، پیشین، ص 97.

42) همان، ص 98.

43) همان، ص 99.

رسیده باشند) و همینطور مجلس شیوخ (متشکل از کاهنان و روحانیون بلند مرتبه پارتی) به رایزنی پردازد.<sup>۴۴</sup> در این دو مجلس زنان حق حضور نداشتند.

« در این دوره خانواده یا دودگ واحد اصلی جامعه بود و خانواده ، پدر سالار ، پدر تبار ، چند زن گزین و گسترده بود. ... ازدواج با محارم منعی نداشت. زنان و فرزندان همچون صغیری که نیاز به قیم داشت ، تابع و زیردست بوده اند. زن در عصر اشکانی از حقوق خیلی کمتری برخوردار بوده است و زنان در امور اجتماعی دخالتی نداشته اند. زنان اشکانی نه تنها به پوشیدن چادر مجبور و از حضور در ملاء عام ممنوع بودند ، بلکه حتی حق همسفره شدن با همسران خود را نیز نداشته اند.»<sup>۴۵</sup>

### دوران ساسانیان: (از 226 تا 652 میلادی)

نظام اجتماعی و حقوقی ایران با سر کار آمدن ساسانیان دچار تحول و تغییرات بسیار عمیقی شد. این تحول از یک سو بر بستر اجتماعی و فرهنگی و حقوقی پیش از ساسانیان بویژه آموزه های زرتشت و از سوی دیگر در تعامل با فرهنگها و تمدنها و نظامهای حقوقی برون مرزی از جمله نظام حقوقی روم میسر گردید. البته در آغاز دوران ساسانیان بنا بر برخی قوانین متداول از قدیم (بویژه عرف ها و سنتهای شکل گرفته در زمان اشکانیان) ، زن شخصیت حقوقی کاملی نداشته است. و از هر لحاظ تحت سرپرستی و قیمومت رئیس خانوار که کد خدای نامیده می شد ، قرار داشت. این رئیس خانوار ممکن بوده که پدر یا شوهر و یا در صورت مرگ آنها ، جانشین آنها باشد. اما در طی زمان این بینش حقوقی دچار تغییر می شود و با رسمی شدن مجدد کیش زرتشتی اصلاحاتی به نفع زنان در آن صورت می گیرد. در طی زمان موقعیت خودکامگی و سلطه مرد به شدت دچار دگرگونی می شود. دیگر قدرت و سلطه نامحدود مرد بر زن عملاً وجود نداشت. اعمال خود سرانه مرد نسبت به زن که وجدان جدید عصر ساسانی را جریحه دار می ساخت ، موجبات حمایت قانونی از زن را فراهم آورده بود.<sup>۴۶</sup>

«بررسی برخی نمونه ها از حقوق خانواده ، حقوق مالی ، حقوق سیاسی و ...»

### 1) ازدواج:

#### • انواع ازدواج

الف) - عقد پادشاه زنی:

این نوع ازدواج که شایع ترین نوع بوده هنگامی صورت می گرفت که دختر و پسری برای نخستین بار و با رضایت پدر و مادرشان ازدواج می کردند.<sup>۴۷</sup>

ب) - عقد چکر زنی:

44) همان ، ص 105.

45) همان ، ص 108.

46) کریستین بارتولومه ، پیشین ، ص 34.

47) رستم شهزادی ، پیشین ، ص 31.



چکر زنی یا چاکر زنی هنگامی بود که زنی با مردی که قبلاً ازدواج کرده و بی فرزند مانده بود و یا زن اول او زمین گیر شده بود ازدواج کند. این زن در مقابل زن اول (پادشاه زن) مقام چاکر زنی را داشت. این زنان بیشتر نقش یک کمک کار یا خادمه زن اول را در صحنه خانه و خانواده بازی می کردند. و از هر لحاظ تحت ریاست و اداره پادشاه زن قرار داشتند.<sup>۴۸</sup>

(ج) - عقد ستر زنی:

این ازدواج برای ایجاد نوعی فرزند خواندگی بوده است. و هنگامی واقع می شده که با هزینه پسر بالغی که پیش از ازدواج فوت کرده و یا علیرغم ازدواج بدون فرزند در گذشته باشد، دختری با دیگری ازدواج کند مشروط بر اینکه نخستین پسری که از این نوع زناشویی بوجود می آید به نام آن جوان فوت شده خوانده شود و فرزند او به شمار آید.<sup>۴۹</sup>

(د) - عقد ایوک زنی (یگانه زنی):

این عقد نیز هنگامی بوده که دختری که تنها فرزند پدر خویش می باشد ضمن ازدواج شرط کند تا نخستین پسر خود را پس از این ازدواج جانشین پدر خود نماید. و ارث و خانه پدر را پس از بالغ شدن پسر به او بدهند تا از این طریق اجاق خانه پدر خاموش نشود.

(ه) - ازدواج استقراضی:

در مواردی مرد می توانسته زنی که در قید زوجیت دیگری بوده است را بطور موقت و با توافق شوهر وی به همسری خود در آورد. در کتاب «مادیکان هزار دادستان»<sup>۵۰</sup> در این زمینه توضیح داده می شود که «شوهر حق دارد زن اصلی خود را به مرد دیگری که به جهت پرستاری کودکان خود، بدون تقصیر شخصی، نیازمند به یک زن دیگر است و علاقه به داشتن یک زن را به وجه پسندیده ای اظهار بدارد، بطور موقت به همسری بدهد.» امری که حتی می تواند بدون جلب رضایت زن صورت گیرد. این واگذاری البته بر اساس قرارداد خاصی صورت می گرفته است و شوهر موقت نیز موظف بوده که زن موقت خود را نگهداری کامل نموده و امرار معاش و رفع سایر نیازمندیهای وی را عهده دار شود. کودکانی که در این مدت و در نتیجه زناشویی استقراضی زاده می شدند به شوهر اصلی تعلق داشتند و نه به پدر طبیعی که شوهر موقت مادرشان محسوب می شد. تعیین مقدار مدت ازدواج استقراضی به عهده طرفین قرارداد بود. این نوع ازدواج های موقت احیاناً و یا حتی تنها در میان طبقات دوم اجتماع صورت می گرفته چون مردان این طبقات غالباً قادر به داشتن بیش از یک زن نبوده و سیستم تک همسری در میان آنان رایج بوده است.<sup>۵۱</sup> البته امروزه بسیاری از زرتشتیان این نوع ازدواج و همچنین ازدواج با محارم را رد کرد و آنها را به مزدکیان نسبت می دهند.<sup>۵۲</sup>

48) کریستین بارتولومه، پیشین، صص 24 الی 26. همچنین رک به: رستم شهزادی، پیشین، صص 32.

49) همان

50) کتاب مادیکان هزار دادستان مجموعه ای از آراء و نظریات حقوقدانان و قضات عصر ساسانی است که در زمان پادشاهی خسرو پرویز توسط فردی به نام «فرخ مرد پسر بهرام» گرد آوری شده است.

51) کریستین بارتولومه، پیشین، صص 28 و 29.

52) فرهنگ مهر، پیشین، صص 152 و 153.

(و) \_ عقد خود رایی زنی:

و آن هنگامی بوده که پسر و دختری پس از رسیدن به سن بلوغ بدون اجازه پدر و مادر خود بخواهند با هم ازدواج کنند. این نوع ازدواج نیز از نظر شریعت زرتشتی اشکالی ندارد ولی پدر و مادر ناراضی حق دارند تا فرزند متمرّد خود را از ارث محروم سازند.<sup>۵۳</sup>

در حقوق ساسانی آمده است که اگر پدری عمداً از انجام وظیفه خود نسبت به دخترش کوتاهی ورزد در این صورت دختر می تواند به میل خود و بدون اجازه پدر ازدواج کرده و یا حتی به یک ازدواج غیر مشروع تن در دهد. یعنی در این هنگام نیز حقوق پشتیبان دختر بوده و مانع از این می گشت که عمل او عواقب وخیمی را برای وی در پی داشته باشد. و هزینه معاش و سهم الارث برای وی باقی می ماند.<sup>۵۴</sup>

#### • فرزندان روابط آزاد (پیک خدایان):

«... کودکانی که فرزندان روابط آزاد به شمار می رفتند ، نخست در تحت سرپرستی مادر خود و در خانه پدر بزرگ مادری خویش رشد و تربیت می یافتند و در صورتی که کودک دختر بود پدر بزرگ حتی وظیفه داشت که از سن معینی برای او وجهی بطور مقررری (یومیه) تعیین نماید. این چنین دختری ضمناً دارای نصف سهم الارث یک دختر قانونی بود. تنها اگر مادر یک چنین کودکی که ثمره عشق آزاد به شمار می رفت شوهر می کرد، مسوولیت پرستاری کامل از فرزند غیر قانونی خویش را خود به عهده داشت و نه پدر بزرگ مادری کودک. فرزندان روابط عشق آزاد در صورتیکه مادران از خانواده های سرشناس و اشرافی بودند این کودکان را نیز به لقب پر لطف پیک خدایان می نامیدند و در مواردی که مادر این پیک خدایان توانایی مالی نداشت که از آنان نگهداری کند ، تهیه وسایل خوراک و پوشاک مادر و فرزند تا زمان بلوغ به عهده پدر بود.»<sup>۵۵</sup>

#### • سن ازدواج:

در این دوره هنگامی که دختر پانزده ساله شده و رشد بدنی اش نیز به حد بلوغ رسیده بود ، بر پدر وی بود که برای او شوهری مناسب بیابد و اگر پدر فوت کرده بود ، جانشین پدر (بزرگترین فرزند پسر بالغ ، وصی ، قیم) چنین وظیفه ای را برعهده داشت.<sup>۵۶</sup>

#### • آزادی زن در انتخاب شوهر:

در دوران ساسانی در هنگام ازدواج رضایت دختر حتماً باید منظور شود ، و دختر می تواند به پدر یا قیم خود اظهار دارد که با ازدواج پیشنهادی آنان مخالف است و پدر نیز ناگزیر از قبول سخن وی بوده است و بدین

53) رستم شهزادی ، پیشین ، ص 32.

54) کریستین بارتولومه ، پیشین ، ص 21

55) همان ، صص 21 و 22 . همچنین رک به : رستم شهزادی ، پیشین ، ص 71 (بند 2 از فصل 19)

56) کریستین بارتولومه ، پیشین ، ص 19.

ترتیب پدر مجاز نبوده که دختر خود را مجبور به ازدواج کند و یا حتی هنگام اجتناب دختر خود از ازدواج نمی توانسته او را از ارث محروم سازد و یا بوسیله دیگری او را کیفر دهد. به همین منظور در کتاب مادیکان هزار دادستان نیز آمده است که « پدر حق ندارد دختر خود را مجبور به ازدواج با مردی کند.»<sup>۵۷</sup> « پدر حق ندارد دختر خود را اجباراً به عقد ستر زنی شوهر دهد.» « هرگاه بعداً معلوم شود دختری از روی اجبار یا اکراه تن به عقد ستر زنی داده ، نکاح منفسخ و عقد پادشاه زنی با شوهر فعلی اش منعقد خواهد شد.»<sup>۵۷</sup>

پیش از این نیز دیده شد که دختر می تواند حتی بدون اذن پدر با پسری ازدواج کند هر چند که در این صورت پدر صرفاً حق خواهد داشت او را از ارث محروم نماید. و بنا بر نظر برخی چنین دختری از این پس حقی نیز به خانه پدری خویش نخواهد داشت. « اگر دختری بدون رضایت ولی خود با مردی ازدواج کند حقی به خانه پدر نداشته و باید در خانه شوهر به سر برد. [حقوقدان] دیگری گفته است ، چنین عملی نسبت به دختر بی انصافی بوده و باید با داد با او رفتار کرد.»<sup>۵۸</sup>

همچنین بنا بر نظری که در کتاب مادیکان هزار دادستان آمده است اگر شوهری به زن خود بگوید تو از این پس صاحب اختیار خود هستی با این سخن زن طلاق داده نمی شود ولی در نتیجه آن رخصت می یابد که به یک زناشویی دومی بطور موازی با ازدواج نخستین خود تن در دهد.<sup>۵۹</sup>

#### • تعدد همسر:

در این دوره برای مردان ، بخصوص مردان طبقه اشراف امکان داشتن زنان متعدد فراهم بوده است. که برای نمونه می توان به حرمسرای برخی پادشاهان ساسانی از جمله خسرو پرویز آنگونه که در داستانها آمده است اشاره کرد.

از سوی دیگر همانطور که پیش از این نیز گفته شد زن هم می توانست در صورتی که از جانب شوهر خود رخصت یابد ، به یک ازدواج دوم به موازات ازدواج اول خویش دست بزند.

#### 2) مهریه ، نفقه ، ارث

در مورد پادشاه زن ، وی علاوه بر دریافت مهریه حقی نیز بر خرج یومیه خود داشت و شوهر می بایست در تمام عمر ، خرج و یومیه ای در خور شخصیت خانوادگی وی به او پرداخت نماید. علاوه بر این پس از مرگ شوهر ، وی داری سهم مساوی با سایر پسران خود و یا پسران پادشاه زن دیگر از ارث بود. زنان درجه دوم (چکر زنان) نیز مهریه دریافت می نمودند و مانند سایر اعضای خانواده از منزل و خوراک و پوشاک و مقرری سالیانه برخوردار بودند. البته این نوع زنان و همچنین فرزندان آنها هیچگونه سهمی از ارث نداشتند ولی این نقیصه با انجام وصیت برای پس از فوت شوهر و یا حتی پرداخت سهمی در زمان حیات شوهر جبران می شد.

(57) رستم شهزادی ، پیشین ، صص 71 و 72 (بندهای 3 و 4 و 5 از فصل 19)

(58) همان ، ص 71 (بند 1 از فصل 19)

(59) کریستین بارتولومه ، پیشین ، صص 31 و 32.

ترتیب تقسیم ارث در حقوق ساسانی در مورد پادشاه زن بدین نحو بود که پادشاه زن و پسرانش هر یک سهم مساوی از ارث داشتند و دختران در صورتی که شوهر نداشتند نصف سهم برادران خود ارث می بردند.<sup>۶۰</sup> جزئیات بیشتر در مورد ارث زنان پیش از این ذکر شد.

همچنین « اگر کسی وصیت کند که دختر او به اندازه پسرش ارث ببرد یا آنچه که به پسرش می رسد به دختر نیز داده شود یا دختر و پسر در ماترک او سهمی باشند باید طبق وصیت متوفی عمل کرد.»<sup>۶۱</sup>

### **3) حضانت و تربیت کودکان:**

پسران و دختران تا سال پنجم از سنین خود کاملاً تحت سرپرستی زنان در خانه به سر می بردند و تربیت به معنی فنی آن (آموختن علم و فنون و ورزش و...) از این هنگام به بعد آغاز می گردید.

### **4) طلاق:**

« تقاضای طلاق از هر یک از زوجین در محکمه پذیرفته می شود. ولی محکمه هیچ مردی را بدون رضایت شاه زن او و هیچ شاه زنی را بدون رضایت شوهرش نمی تواند حکم به جدایی دهد. چنین امری تنها در مورد چاکر زن ممکن است.»<sup>۶۲</sup>

البته در چند مورد مرد استثنائاً حق داشت که زن خود را بدون نیاز به رضایت وی طلاق دهد که عبارت بودند از: 1) در مورد خیانت زن (زنانی محصنه) 2) در موردی که زن به جادوگری بپردازد. 3) در مورد زنی که نازا باشد. 4) در مورد زنی که زمان حیض و قاعدگی خود را از شوهر پنهان سازد.<sup>۶۳</sup>

### **5) کسب علم و دانش:**

در نظام طبقاتی دوره ساسانی بسیاری امور از جمله تحصیل علم ظاهراً اختصاص به طبقات بالای اجتماع داشته است. با این حال در همان طبقاتی که افراد حق آموختن علم را داشتند این امر صرفاً اختصاص به مردان و پسران نداشت بلکه زنان و دختران نیز از این حق بهره مند بودند. برای نمونه در کتاب مادیکان هزار دادستان به یک مورد بر می خوریم که عده ای از زنان با حقوقدانی در حال گفتگو هستند و در این میان در پاسخ به سوالی که از این حقوقدان پرسیده می شود وی از دادن پاسخ باز می ماند. اما یکی از این زنان پاسخ صحیح را با ذکر منبع آن به حقوقدان مذکور می دهد. که این موضوع شاهدهی بر تحصیل دانش (از جمله حقوق) در میان زنان آن روزگار می باشد.

60) همان ، صص 25 الی 27

61) رستم شهزادی ، پیشین ، (بند 22 از فصل 39)

62) همان ، ص 53 (بند اول از فصل هفتم)

63) حسن امین ، پیشین ، صص 131 و 132.

**6) مالکیت و حقوق مالی:**

زنان در این دوره مالک مایملک خود بوده و حق برخورداری از منافع اموال خود و تصرف در آن اموال را دارا می باشند. « زنان بعد از ازدواج نسبت به تصرفات مالی خود آزاد بوده و بدون نظارت یا سرپرستی شوهر می توانند هرگونه معامله ای را که قانونی باشد انجام دهند.»<sup>۶۴</sup> ولی البته حق تصرف در اموال شوهر خود و یا اموال مشترک (اموال خانواده) را نداشته و صرفاً با اجازه شوهر می توانند چنین تصرفاتی را انجام دهند. البته « هرگاه شوهری رسماً زن خویش را در اداره اموال خود و فرزندانش مجاز کرده باشد ، دیگر نمی تواند در محکمه از مداخله زن در اموال خانواده شکایت کند.»<sup>۶۵</sup> شوهر نیز حق تصرف در اموال زن خود را ندارد.<sup>۶۶</sup>

« هرگاه زن و شوهری که در مال معینی شریک بوده یکدیگر را طلاق دهند مرد نمی تواند بدون رضایت زن مطلقه خود آن مال را به دیگر واگذار نماید یا انتقال دهد.»<sup>۶۷</sup>

«مالی را که شوهر در مدت زناشویی به زن خود ببخشد در صورتیکه طلاق به رضایت زن به عمل آمده باشد زن حق تصرف در آن مال را نداشته و دو مرتبه به ملکیت شوهر در خواهد آمد.»<sup>۶۸</sup>

« متهم نمی تواند به عنوان وثیقه یا ضمانت مالی جواهرات و زینت آلات زن خود را به محکمه بسپارد.»<sup>۶۹</sup>

« هر گاه سردار خانواده بدون جهت مشروع از دریافت مطالبات و حقوق مالی خانواده تحت الکفاله خویش امتناع ورزد ، کدبانوی خانواده می تواند به محکمه شکایت کند.»<sup>۷۰</sup>

**7) حقوق سیاسی:**

در مورد حقوق سیاسی البته باید گفت که بر طبق دیدگاه ایرانیان کسی حق سلطنت و حکومت دارد که دارای فره ایزدی باشد. این موضوع بعدها در میان افراد همخون و وابسته به طبقه و خاندان شاهی بصورت انحصاری درآمد و فقط آنها بودند که دارای فره ایزدی بیشتری به شمار می آمدند. (ازدواج با خویشان نزدیک نیز بر همین مبنا در بین خاندان شاهی رواج داشت.) و فرمانروایی معمولاً در میان اعضای یک خاندان دست به دست می شد مگر اینکه خاندان دیگر با انقلاب یا نبردی خونین آن حکومت را سرنگون ساخته و خود بر جای آنان بنشینند. که باز آنها نیز همان روش حکومت قبلی را پی می گرفتند و حکومت را در انحصار خاندان خویش در می آوردند.

بنا بر این طبقات پایینتر اجتماع حقی بر حکومت و مداخله در امور آن نداشتند. اما نکته قابل ذکر این است که در همان طبقه ای که حکومت را بدست داشتند شرط جنسیت بطور معمول مطرح نبود و به همین خاطر هم

(64) رستم شهزادی ، پیشین ، ص 54 (بند 9 از فصل 7)

(65) همان ، (بند 10 از فصل 39)

(66) همان ، (بند 4 از فصل 35)

(67) همان ، ص 53 (بند 5 از فصل 7)

(68) همان ، ص 54 (بند 8 از فصل 7)

(69) همان ، ص 55 (بند 19 از فصل 8)

(70) همان ، ص 60 (بند 9 از فصل 12)

در تاریخ قدیم ایران برخی از پادشاهان از میان زنان بوده اند از جمله در زمان ساسانیان دو نفر از زنان خاندان شاهی به نامهای «پوران دخت» و «آذر میدخت» به پادشاهی رسیده اند.

### 8) سایر حقوق:

« زنی که از بد رفتاری شوهر خود شکایت نماید باید تا پایان محاکمه او را از تحت سلطه شوهر خارج ساخت.»<sup>۷۱</sup>

« کدبانوی خانه می تواند از سوء اداره سردار خانواده خود ( مردی که رئیس خانواده است اعم از وصی و قیم) شکایت کرده ، او را بوسیله محکمه عزل و دیگری را به جای وی نصب نماید.»<sup>۷۲</sup>

« زن غلام (کنیز) را نشاید زد یا آزد یا به او ستم روا داشت. مالک یا آقای که چنین مستوجب عقوبت بوده و عمل او جرم محسوب می شود.»<sup>۷۳</sup>

« دیون متوفی را نباید از سهم عروسی دختر که پدر تعیین نموده کسر کرد.»<sup>۷۴</sup>

« دختر تا مادامیکه در خانه پدر است می تواند عهده دار اداره اموال پدر متوفی خود شود. تا آن وقت حقوق پسر و دختر برابر است.»

« مرد حق ندارد نسبت به زن و فرزندان خود ستم روا دارد.» « زن نیز باید اوامر و نواهی شوهر را اطاعت کند.»<sup>۷۵</sup>

بر اساس نظام حقوقی دوران ساسانی زنان همچنین همانند مردان حق دادخواهی و شکایت ، حق داشتن وکیل ، توانایی شهادت و سوگند و توانایی تولیت و وصایت را نیز دارا می باشند.<sup>۷۶</sup>

یکی از ایران شناسان غربی در خصوص وضعیت زنان در دوره ساسانیان اظهار داشته است: «از آنچه که منابع و ماخذ با اطمینان خاطر در اختیار ما می گذارند ، می توانید ملاحظه فرمایید که زن در امپراتوری ساسانی ، جداً راه تعالی و استقلال خود را می پیموده است و نیز بخش بزرگی از این راه را در پشت سر داشته است. لیکن پیروزی عرب و سقوط امپراتوری ساسانی دوباره موجب شدند که این موفقیت‌های زن ، همه یکباره طریق زوال و تباهی در پیش گیرند.»<sup>۷۷</sup>

(71) همان ، ص 60 (بند 11 از فصل 12)

(72) همان ، ص 60 (بند 12 از فصل 12)

(73) همان ، ص 49 (بند 3 از فصل 4)

(74) همان ، ص 83 ، بند 19 از فصل 28)

(75) همان ، ص 88 (بندهای 3 و 6 از فصل 36)

(76) همان ، بندهای 6 و 7 و 12 و 13 از فصل 15 . همچنین بندهای 13 و 14 از فصل اول و همچنین بند دهم از فصل دوم . همچنین رک به :

کریستین بارتولومه ، پیشین ، ص 36.

(77) کریستین بارتولومه ، پیشین ، ص 39.

### نتیجه پایانی:

در مجموع می توان گفت که زن ایرانی در طی دوران طولانی زندگی خود در ایران باستان (یعنی از دور دستهای پیش از تاریخ تا دوران تاریخی حیات خویش در پیش از اسلام) علیرغم متغیر بودن و فراز و نشیب داشتن موقعیت و جایگاه اجتماعی و حقوقی اش ، در مقایسه با همتایان خود در میان ملل و فرهنگها و تمدنهای همسایه یا دور دست ، از موقعیت و جایگاه نسبتاً برابری با مردان ایرانی و یا لااقل کم تبعیض تری نسبت به ایشان برخوردار بوده است.

نوسان و فراز و نشیب مذکور در فوق نیز به نظر می رسد خود نتیجه و معلول چند عامل بوده و هست، که مهمترین آنها عبارتند از: 1) تعامل و داد و ستد با فرهنگها و تمدنهای مردسالار و زن ستیزی که در ایران یا مجاورت با ایران قرار داشته اند مانند ایلامیها و سومریها و... 2) هجوم و سلطه اقوام بیگانه ای که از نظر فرهنگی و تمدنی پایینتر از ایرانیان بوده اند مانند عربها و مغولان و ترکان زرد پوست. 3) انحطاط فرهنگی جامعه که خود نتیجه جنگها و سیاستهای برخی پادشاهان خودکامه و یا تفسیرهای سطحی برخی از ارباب شرایع و دیانت بوده است.

در پایان بد نیست به این نکته نیز اشاره گردد که علیرغم هجوم برخی از اقوام بدوی به ایران و سلطه نظامی و سیاسی آنها بر این سرزمین ، فرهنگ و تمدن ایرانی بسیار پربارتر و مترقی تر از آن بوده است که خود را در هجوم و سلطه آنان در باخته و باورها و نگرشهای اصیل خود را نسبت به مسائل مختلف از جمله در نگاه به زنان بطور کامل فراموش کند. برای نمونه با نگاهی به زبان فارسی می توان دریافت که این زبان برخلاف بسیاری از زبانهای دیگر از جمله زبان عربی ، هرگز نه در ضمائر ، نه در افعال و نه در بیان اسامی و... تفاوتی را میان زنان و مردان قرار نمی دهد. و یا در داستانهای ایرانی می توان مشاهده کرد که چگونه زنان در کنار مردان و در ردیف آنان زندگی می کنند ، به پادشاهی می رسند (همای چهر آزاد) ، به جنگ می روند و از کشور دفاع می کنند (گرد آفرید) و بی هیچ محدودیتی از جانب سنن و رسوم جامعه به زندگی عاشقانه با هم مشغول اند (خسرو و شیرین) و....

با ملاحظه موارد فوق و همینطور بسیاری موارد دیگر به نظر می رسد که بتوان مجدداً این ادعا را مطرح کرد که در فرهنگ اصیل ایرانی زن و مرد دارای جایگاه نسبتاً برابری با هم بوده و نگاه ایرانیان به مرد و زن در بیشتر موارد یک نگاه بدون تبعیض یا کم تبعیض بوده است. امروزه نیز اگر مواردی از نابرابری دیده می شود بی تردید ناشی از فرهنگهای مهاجم و فرودستی است که بصورتهای مختلف خود را بر مردم ایرانی تحمیل نموده اند.

پایان

احمد نصر اصفهانی

1384



## پی‌نوشتها:

### کتاب

- امین ، حسن - تاریخ حقوق ایران - انتشارات دایره المعارف ایران شناسی ، چاپ اول 1382.  
بارتولومه ، کریستیان - زن در حقوق ساسانی ، ترجمه ناصر صاحب الزمانی ، موسسه مطبوعاتی عطایی ، چاپ دوم 1344.  
بویس ، مری - تاریخ کیش زرتشت ، ترجمه همایون صنعتی زاده ، انتشارات توس ، 1376.  
رضی ، هاشم - اوستا (ترجمه و پژوهش) ، انتشارات بهجت ، تهران ، چاپ پنجم 1383.  
زرین کوب ، عبدالحسین - در قلمرو وجدان ، انتشارات سروش ، چاپ دوم 1375.  
شهزادی ، رستم - قانون مدنی زرتشتیان در زمان ساسانیان ، نشر انجمن زرتشتیان تهران ، 1365.  
گیرشمن - ایران از آغاز تا اسلام ، بنگاه نشر و ترجمه کتاب ، 1349.  
گیگر ، ویلهلم / والتر ، هینتس / ویندشمن ، فردریک - زرتشت در گائاها ، ترجمه و پژوهش هاشم رضی ، انتشارات سخن ، چاپ اول 1382.  
مهر ، فرهنگ - فلسفه زرتشت ، انتشارات جامی ، چاپ چهارم 1381.  
نفیسی ، سعید - تاریخ اجتماعی ایران ، انتشارات دانشگاه تهران ، 1342.

### مقالات

- بویس ، مری - «کیش زرتشت» ، ترجمه مصطفی فرهودی ، مجله هفت آسمان ، شماره 22 ، تابستان 83.  
دیلمی ، احمد - «مطالعه تطبیقی ارث زن» ، نامه مفید ، شماره 29 ، بهار 1381.  
کار ، مهر انگیز - «نظام حقوق ایلام» ، نامه فرهنگ ایران ، دفتر دوم ، بنیاد نیشابور ، چاپ نخست 1365.

[www.sepandarmazd.com](http://www.sepandarmazd.com)

[www.zoroastrian.com](http://www.zoroastrian.com)

[www.Zoroastrian.net](http://www.Zoroastrian.net)

[www.avesta.org](http://www.avesta.org)

[www.jadi.net](http://www.jadi.net)

[www.zoroaster.net](http://www.zoroaster.net)